

محرمانه‌های گوادلوپ درباره محمد رضا پهلوی

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر

خوبش در ایران بیا بند. به رغم دور شدن زود هنگام مذاکره کنندگان گوادلوپ، متن مذاکرات این اجلاس همچنان محرمانه است. تنها سرخ‌هایی در تاریخ شفاهی از آن در دسترس است. ژیسکاردستن درباره این کنفرانس می‌گوید: «ما رفتیم در باغ نشستیم. جایی که چهار صندلی داشت و می دانستیم در فضای بازی است و خطر اینکه دستگاه‌های اطلاعاتی خودمان مذاکرات ما را گوش کنند، نبود و به دریا نگاه می‌کردیم و جایی در زیر یک آلاچیق نشسته بودیم، چهار تا صندلی بیشتر نبود و ما چهار تا بودیم فقط. من از کالاهان نخست وزیر انگلیس خواستم که بحث را شروع کند. راجع به شاه و اوضاع ایران او تجزیه و تحلیل واقع بینانه‌ای کرد و خلاصه‌اش این بوده شاه بازنده است و دیگر به اوضاع تسلط ندارد و راه حل جانشینی هم وجود ندارد. برای اینکه مردان سیاسی در ایران همه بی اعتبار شده‌اند و ارتش هم در شک است که بتواند این دوره انتقالی را بگذراند و به عهده داشته باشد و عملی انجام بدهد. اما هلموت اشمیت صدراعظم آلمان با توجه گوش داد و چیزی نگفت.»

کارت‌رئیس جمهور آمریکا درباره این کنفرانس می‌نویسد، «در ۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۶ دی ۱۳۵۷)، من به گوادلوپ رفتم تا با رهبران فرانسه، بریتانیا و آلمان ملاقات کنم، اما بخش زیادی از وقت خود را صرف بحث درباره بحران ایران کردیم. سایروس ونس در واشینگتن ماند تا اوضاع تهران را پیگیری کند. من برای قدرتمندتر کردن شاه از انجام هیچ دست‌ورالعملی دریغ نمی‌کردم [...] گزارش‌های سولویوان در مورد رفتار ارتش با گزارش ژنرال هایزر مغایرت داشت. موقعیت ایران بسیار گیج کننده بود و رهبران ارتش یکصد انبوه‌اند. به مرور زمان، من به نظرات ژنرال هایزر اعتماد کردم. [...] در بحث‌هایی که در کنفرانس گوادلوپ درباره امور مختلف جهانی مطرح شد، پی بردم که شاه از کمترین حمایت در بین سه رهبر بزرگ دنیا برخوردار است. همه آنها متفق‌القول بودند که باید حکومت ملی تشکیل شود و شاه هر چه سریع‌تر ایران را ترک کند، بنابراین آنها با من هم عقیده بودند که ارتش باید قدرتمند و متحد باشد تا از خمینی و انقلابیون حمایت نکند. ژیسکاردستن گزارش داد که به زودی قصد دارد خمینی را از فرانسه اخراج کند. بنابراین کشورش مرکز درگیری‌ها و فعالیت گروه‌های انقلابیون نخواهد بود، اما شاه عقیده داشت که آیت الله خمینی به جای رفتن به کشورهایی مانند عراق، لیبی یا ... باید در آنجا ننگه داشته شود، زیرا در جاهای دیگر مشکل آفرین خواهد بود.»

روایت ایرانی

از دو عضو دیگر حاضر در جلسه روایتی در دست نیست؛ اما روایت‌های ایرانی به دست آمده، مقداری متفاوت است. ارتشبد فردوست در خاطراتش گفته است: «مأمور امریکایی به اطلاع ثابتی رسانیده که در آن گوادلوپ کنفرانسی تشکیل شده که در آن [...] کارتر ابتدا مطرح کرده که حضور شاه در کشور قابل دوام و پشتیبانی نیست. به گفته مأمور امریکایی، ۳ نفر دیگر در بدو امر قدری مقاومت می‌کنند، لذا کارتر در ابتدا ژیسکاردستن و سپس اشمیت را موافق می‌کند و کالاهان وقتی خود را در اقلیت

ملاقات با او را منع کرد. به نظر من غش از هاری، غش سیاسی بود، چون جرأت آن را نداشت که خواسته محمد رضا را انجام دهد و با مشاهدات و اطلاعات خود به خوبی می‌فهمید که هیچ دولتی قادر به جلوگیری از انقلاب مردمی در آن برهه از زمان نیست.» این بخش از خاطرات ارتشبد حسین فردوست، دوست صمیمی شاه و رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی است از روزهایی که نه تنها شاه برای حفظ جان خود به رها کردن تخت سلطنت اندیشید؛ بلکه حامیان همیشگی اش نیز متوجه گریزناپذیر بودن دل بردن از او شدند.

«از هاری در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ نخست وزیر شد و گام‌های محکم انقلاب محکم‌تر. تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورا [۱۹ و ۲۰ آذر] پیش آمد و محمد رضا و از هاری با هلیکوپتر تمام سطح شهر را بازدید کردند. محمد رضا خطاب به از هاری گفت: «همه خیابان‌ها مملو از جمعیت است، پس موافقین من کجا هستند؟» و از هاری پاسخ داد: «در خانه‌هایشان!» آخرین امید محمد رضا به یأس بدل شد [...] به هر حال، روزی نخست وزیر جسور در جلسه هیأت دولت ناراحتی قلبی پیدا کرد و به زمین افتاد و او را به طبقه بالای نخست وزیری بردند و خواباندند و دکتر یوسفی



تلفنی با کاخ الیزه مخالفت می‌کند و مدعی می‌شود اخراج امام، خطر را بیشتر می‌کند و اعتقاد او درباره طرد امام خمینی هنگام مواجهه جهان مدرن با او! اما نتیجه دقیقاً برعکس شکل گرفت. آن‌گونه که ژیسکاردستن در خاطرات خود می‌گوید، هنوز باور نداشت که کار شاه به پایان رسیده است. او گزارش‌های ارسالی «رائول دلای» سفیر فرانسه در تهران را که

تلفنی با کاخ الیزه مخالفت می‌کند و مدعی می‌شود اخراج امام، خطر را بیشتر می‌کند و اعتقاد او درباره طرد امام خمینی هنگام مواجهه جهان مدرن با او! اما نتیجه دقیقاً برعکس شکل گرفت.

آن‌گونه که ژیسکاردستن در خاطرات خود می‌گوید، هنوز باور نداشت که کار شاه به پایان رسیده است. او گزارش‌های ارسالی «رائول دلای» سفیر فرانسه در تهران را که

روزهای آغازین سال نو میلادی ۱۹۷۹، وقتی بختیار برای نخستین بار انتخاب شده بود اما هنوز رسماً دولتش را آغاز نکرده بود؛ والری ژیسکاردستن، رئیس جمهور فرانسه از سران دولت‌های آمریکا، انگلستان و آلمان درخواست کرد به جزیره گوادلوپ سفر کنند تا به طور غیر رسمی راجع به بحران‌های بین‌المللی با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند. آنجا آشکار بود؛ اصلی‌ترین دستور جلسه، انقلاب در آستانه پیروزی ایران بود که در ذهن متأثر از جنگ سرد آنها، موجب نگرانی بسط‌ید شوری شده بود.

این دلنگرانی، در میان سران بلوک غرب از چند جنبه اهمیت داشت؛ نخست نگرانی آنها از میدان گرفتن شوروی در ایران پس از انقلاب که از منظر ژئوپولیتیک برای کمونیست‌ها بسیار مهم بود و آنها را به آب‌های گرم، منابع طبیعی فراوان و ... می‌رساند. دوم تبدیل شدن ایران که ژاندارم منطقه غرب آسیا تلقی می‌شد به بازویی علیه آنها؛ ایرانی که مسلح به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها شده بود. سوم از دست رفتن کنترل نفت ایران که یک مهارگر عمده بازار بود و در جریان جنگ ۶ روزه اسرائیل، حمایت ویژه خود را به خوبی نشان داده بود. این امر تا آنجا مهم بود که سران چهار کشور اصلی بلوک غرب، به دعوت رئیس جمهور فرانسه به سرعت گردهم آمدند.

گوادلوپ، از جزایر فرانسه که یکی از پنج شهرستان فرادریایی این کشور به شمار می‌رود و در مجاورت قاره آمریکا است، میزبان اجلاس بود. سعی بر آن شد که این اجلاس در چهارچوب کشورهای صنعتی تصویرسازی شود و نشانی از تشکیل یک جلسه اضطراری برای ایران نداشته باشد که خود موجب تشدید نشود. اما با توجه به اینکه اجلاس سران G7 یکبار در سال و عموماً اوایل تابستان برگزار می‌شود و در آن مقطع نیز تیرماه ۱۳۵۷ در شهر بن آلمان غربی و در تیرماه ۱۳۵۸ در توکیو ژاپن برگزار شده بود؛ اخبار غیررسمی درباره اجلاس به سرعت گسترش یافت. خاصه آنکه کانادا، ژاپن و ایتالیا به این اجلاس دعوت نشده بودند و مذاکرات خارج از آن ساختار G7 تعریف شده بود. جیمز کالاهان نخست وزیر انگلیس، ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه، جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا و هلموت اشمیت صدراعظم آلمان غربی ۴ شرکت کننده آن جلسه بودند. ۴ رهبری که به همین ترتیب، در فاصله‌ای نه چندان دور از اجلاس گوادلوپ با میز خود خداحافظی کردند. جیمز کالاهان در اردیبهشت ۱۳۵۸ در پی «زمستان ناراضی» در انگلستان و به خاطر حواشی سواحل گرم گوادلوپ مجبور به استعفا شد؛ دی‌ماه ۱۳۵۹ کارتر با پس لرزه‌های تسخیر لانه جاسوسی از حکومت به زیر کشیده شد و ژیسکاردستن ۶ خرداد ۱۳۶۰ از رقیب چپ‌گرا و قدیمی خود میتران شکست خورد و هلموت اشمیت هم مهر ۱۳۶۱ برای تنها بار در تاریخ آلمان از مجلس عدم اعتماد گرفت.

معمای ساحلی

ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه در خاطرات، به تلاش‌های قبلی خود اشاره می‌کند؛ از جمله تصمیم او برای اخراج امام خمینی به الجزایر که بدون اطلاع فرانسه و براساس قانون لغو روادید به پاریس آمده بود. اما شاه در تماس



گوادلوپ، از جزایر فرانسه که یکی از پنج شهرستان فرادریایی این کشور به شمار می‌رود و در مجاورت قاره آمریکا است، میزبان اجلاس بود. سعی بر آن شد که این اجلاس در چهارچوب کشورهای صنعتی تصویرسازی شود و نشانی از تشکیل یک جلسه اضطراری برای ایران نداشته باشد که خود موجب تشدید نشود